

خاطرات اداری

تألیف: حیدر علی جلیلی



سرشناسه	جلیلی، حیدرعلی، ۱۳۲۶-
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات اداری / تألیف حیدرعلی جلیلی؛ بازنویسی محمد حسن زمانی پور
مشخصات نشر	: اصفهان: نشر نوشته، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۴ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۶-۱۷۱-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: جلیلی، حیدرعلی، ۱۳۲۶- - خاطرات
موضوع	: معلمان - ایران - اصفهان - خاطرات
موضوع	: Teachers - Iran - Esfahan - Diaries
شناسه افزوده	: زمانی پور، محمد حسن، ۱۳۲۷-
بندی کنگره	: LB ۲۸۲۲/۴
رده بندی دیویی	: ۳۷۱/۱۰۰۹۵۵۹
سماره کتابخانه ملی	: ۵۹۰۴۱۱۲۵

اصفهان - خیابان قاسم	ماخذه
کد پستی: ۸۱۴۳۹-۸۴۱۱۶	
تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۲۴۴۵	دورنگار: ۰۳۱-۳۲۲۲۴۴۵
Website: www.neveshtebook.com	
E-mail: neveshte.pub@gmail.com	
خاطرات اداری	
نویسنده: حیدرعلی جلیلی	
بازنویسی: محمد حسن زمانی پور	
طرح جلد: مجتبی عصیانی	
ایتوگراف: طلوع	
جابه: هشت بهشت	
صحافی: سپاهان	
نمارگان: ۱۰۰۰ نسخه	
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹	
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان	
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۶-۱۷۱-۸	
ISBN: 978-600-386-171-8	
کلیه حقوق محفوظ است.	

فهرست

۵	فهرست
۱۱	پیشگفتا
۱۳	دعای حیر
۱۴	تأثیر قرآن!
۱۶	عکس پرونده
۱۷	اخراج!
۱۹	اولین نامه!
۲۱	دست بسته!
۲۲	مصاحبه
۲۳	خاک بر سرم شدا!
۲۴	جعبه پر شده!
۲۵	جن می برد!
۲۶	مهم ترین ابلاغ!
۲۸	اولین و آخرین دیدار
۲۹	راننده وظیفه شناس!
۳۰	آمد!
۳۱	تخریم
۳۲	عبادت
۳۳	رختخواب عروسم است!
۳۵	علامه محمد تقی جعفری
۳۶	مردی از خوف!
۳۷	حلال کردم... حلال کردم!
۳۸	فاضلاب هم شد سنگر!

- ۳۹ چوب نخه رده ای!
- ۴۰ سفارش!
- ۴۱ در هتل عباسی
- ۴۴ کار مفید
- ۴۵ افتتاح مدرسه
- ۴۶ معلم زن نمی خویم
- ۴۸ بدقولی
- ۵۰ ورقه های اعدام
- ۵۲ آن رشته
- ۵۳ سرگردان
- ۵۴ معامه زرنگ
- ۵۵ مطالعه
- ۵۶ شیر و خورشید
- ۵۷ غرور
- ۵۸ فوق العاده!
- ۵۹ قرعه!
- ۶۱ خدانا شناس!
- ۶۲ رشوه
- ۶۳ صبور باش
- ۶۴ بزم
- ۶۵ چهارشنبه سوری
- ۶۶ کمبود بنزین
- ۶۸ سوت کارشناسانه!
- ۶۹ کارشناس
- ۷۱ یا صاحب الزمان
- ۷۲ موقعیت هایی که استفاده نشد
- ۷۵ کت نو
- ۷۷ کلمنی که یخچال شد!
- ۷۹ اجی مجی لاترجی!

۸۱	احترام و... بی احترامی!
۸۳	ماهی!
۸۴	کنکور
۸۶	آیه الکرسی
۸۷	باقر آباد و صادق آباد
۸۸	دورتر کردن مدرسه!
۸۹	ساختمان اداره
۹۰	چاه نکنده یاد ددا
۹۴	خوش سوار
۹۵	معلم
۹۶	چلوکباب با من!
۹۸	ما را حلال کنید
۹۹	پشیمانم!
۱۰۰	کباب شادی
۱۰۱	سخنرانی!
۱۰۲	چراغ روشن
۱۰۳	لیوان بیلی!
۱۰۴	گواهی کارآموزی
۱۰۵	برق رفت!
۱۰۶	امتحان
۱۰۷	چه قدر بیل می زنی!
۱۱۰	کافر این کار را نکرده!
۱۱۱	زیرشلوار!
۱۱۲	آموزش مدیران
۱۱۴	۴ بچه ی کر!
۱۱۵	۲ نفر به ۱۰۰ نفر!
۱۱۶	اضافه کار
۱۱۷	هر دو!
۱۱۸	یخ بندان

۱۲۰	امتحان از رؤسا!
۱۲۲	مدت آشنایی
۱۲۴	مرحوم پزشکی
۱۲۶	صندوق پیشنهادی با غم بسیار!
۱۲۷	مارتین
۱۲۸	تنور و تابه!
۱۲۹	طلوع
۱۳۰	حب الوطن!
۱۳۱	مرد!
۱۳۲	هر طور صلاح می دانید
۱۳۴	پول!
۱۳۵	ساعت!
۱۳۶	رئیس
۱۳۷	خانم!
۱۳۸	رابطه‌ی ایران و آمریکا!
۱۳۹	صابون!
۱۴۰	۷۵۰ گرم مکاتبات!
۱۴۲	بچه زیرک!
۱۴۳	عزیز کردن مصلحتی!
۱۴۴	استاد دکتر حسابی
۱۴۵	چای هم می خواهیم!
۱۴۶	خدا قوت!
۱۴۷	ماهان... کوچه ۱۲ فروردین!
۱۴۸	هدیه ممنوع!
۱۴۹	چشمش کور!
۱۵۱	عذرخواهی!
۱۵۲	مسمومیت!
۱۵۳	بچه افغانی!
۱۵۵	فقط ۱٪!

۱۵۶	همه استعفا!
۱۵۸	بخاری‌ها!
۱۵۹	استعفا
۱۶۰	همسر برادر آزاده
۱۶۲	دوازده ارباب رجوع
۱۶۳	گمشده خلق شد!
۱۶۴	قد بلند!
۱۶۵	ممیز
۱۶۶	حسن ازدواج و هزینه سفر!
۱۶۸	عجب تفریحی!
۱۷۴	مظلوم زن!
۱۷۵	مبلغ چک
۱۷۶	آدرس ندادم
۱۷۷	گاو پیشونی سفید!
۱۷۸	کمر درد
۱۷۹	شتر خوابیده!
۱۸۰	زوم!
۱۸۱	سکته!
۱۸۳	کفش!
۱۸۴	مصاحبه
۱۸۵	یک بام و دو هوا!
۱۸۶	بی انصافی!
۱۸۷	عدالت تا طبقه‌ی چهارم!
۱۸۸	خشت کج
۱۸۹	شنا با یک دست!
۱۹۰	سراغ نگیر!
۱۹۱	معلم و محصل
۱۹۲	درسی برای دیگران!
۱۹۴	نان

۱۹۵	برنامه ریز
۱۹۶	از تولید به مصرف!
۱۹۷	شگرف!
۱۹۸	مسافرکشی
۱۹۹	بحث دلسوزانه
۲۰۰	چسب!
۲۰۱	جاسوسی نمی کنم!
۲۰۲	خجالت را که بکشد؟
۲۰۳	نخن ۰۰۰
۲۰۴	اسفندیار معتمدی
۲۰۵	حالا...!
۲۰۷	قاطعیست
۲۰۹	این مؤمن!
۲۱۰	خسته نمی شوم!
۲۱۱	خودکار بردن و آوردن!
۲۱۲	پیرزنی با عصا!
۲۱۳	سلام کا کردم!
۲۱۴	فلک معلم!!
۲۱۵	کامپیوتر!
۲۱۶	گوسفندشناس!
۲۱۷	دوست نابینا
۲۱۹	بزخم به تخته
۲۲۰	گل بمالیدا
۲۲۱	معلم راهنما
۲۲۲	لرزش!
۲۲۳	جدیدی و جلیلی

پیشگفتار

به نام توان بخشش هر ناتوان خداوند بخشنده‌ی مهربان
به هر نکته بیارد خوش دلیلی رفیق روز سختی‌ها جلیلی

از پیره دور زمان، از گاه پیدایی مشروطه و آنگاه که واژه (مدیریت) به پهنه‌ی سیستم اداری کشور عزیزم (ایران) راه یافت، مفهوم تحصیل در رشته‌ی مدیریت و سازمان‌های اداری به دست کارداناتان، واژه‌ای موهوم جلوه‌گر شد. کر به در زمانهایی در دانشسرای عالی تهران به ریاست دکتر مشایخی رشته‌ی «مدیریت» با دانشجویانی نادر تأسیس شد و کسانی را برای مدیریت مدارس تربیت کردند. برخی از سازمان‌های دیگر نیز تحت عنوان سازمان مدیریت، فعالیت‌های در امور صورت گرفت. اما در کمتر موردی یک تحصیل‌کرده مدیریت در برابر مناسب قرار گرفت. در بسیاری از موارد کسانی با سرشت خاص به اداره امور پرداختند که کار آنان بار و بری هم داد اما دولت مستعجل بود، دیگری آمد و بیاد فراهم شده را با برچسب‌هایی به هم ریخت یا از بیخ و بن برکند. در آموزش و پرورش استان اصفهان این اقبال گستره فراتری داشت، قبل و بعد انقلاب - بند خرد مؤثر و کاردان در دوره‌هایی سکان این بخش حیاتی را به دست گرفتند اما در دو صفت بزرگ مدیریت (مزکی) بودند تا (متخصص) و با همان صفت ترکیه کارهایی ماندگار کردند و نامی از خود نهادند که بر آن‌ها (هنیئاً له). در این میان کس یا کسانی بی‌سرو صدا و برون از هر ادعا در مدتی مدید هر چند از راه آزمون و خطا تجربیاتی اندوختند که در زمان مسئولیت، بی‌دریغ نثار راه

فرزندان این آب و خاک کردند. (که اجرشان مأجور حضرت باری باد) دروغا که کمتر کسی دست به قلم شد یا افسوس که دست نوشته‌های کسانی از اهل خرد به حلیه‌ی نشر نپیوست. شادا و خوشا که مردی از میان آنان (دوست دوره‌های سختی) یادداشت‌های ساده اما (کاربردی) گرد آورد که حاصل ۱۷ سال متوالی (از تیر ماه ۶۰ تا مهرماه ۷۶) قرار گرفتن بر مؤثرترین پایگاه تعلیم و تربیت (کارشناسی آموزش ابتدایی) فرود آمد. خوشبختانه بدیلی یافتند که او را از جای برکنند. این دست نوشته‌ها در برخی از موارد ارزش یک کتاب دارد. به همکاران معلم راهنما که الحق زنان و مردانی بهره‌ور از صفت تریب و آهاده برای اخذ تجربیات تخصصی بودند راه گشود. این موارد یک سه (کاربردی) است. از نوع چگونه به سرکشی مدارس باید رفت؟ چه پرسید؟ چگونه تربیت نمود؟ کجا باید ایستاد؟ چگونه در هر جای با کسانی از نوع قاهر و مسهور برخورد کرد؟ پیگیری چگونه است و تا کجا؟ چه منابعی را در اختیار باید داشت تا به مایع و به نحو کارا به کار برد؟ اشتباهات را مرد و مردانه پذیرفت و چگونه ترمیم و تسبیح کرد؟ با امور مالی چگونه سازگار و نه سازشکار شد؟ روی چه درس از مجموعه دروس باید بیشتر تکیه کرد؟ (زبان مادری، علوم تجربی و درس انسانیت)

و صدها نکته‌ی دیگر که برای هر کدا، پسان به در بیت مطلع آوردم (دلیلی متقن دارم).

امید آن دارم که این مطالب به نحو شایسته در این گرد و به دست آموزگاران (راهنمایان تعلیماتی، مشاوران تحصیلی و خانواده‌ی والدین فرزندان) این آب و خاک قرار گیرد و به صورت بایسته مورد استفاده قرار گیرد.

پیری از دیار فرهنگ: شعاعی